



doi 10.22059/jwica.2022.341069.1772

An Investigation of Gender Effects on Students' Preferences for Literary and Non-literary Strokes

Marzieh Imani¹|Reza Pishghadam^{2✉}|Shima Ebrahimi³

1. MA, Persian Language Teaching, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: marzzieh.imani@gmail.com
2. Professor of English Language Teaching and Educational Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: pishghadam@um.ac.ir
3. Assistant Professor of Persian Language Teaching, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: shimaebrahimi@um.ac.ir

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
5 April 2022

Accepted:
6 June 2022

Keywords:
Gender, Stroke, Literary
Stroke, Non-Literary
Stroke, Stroke.

Abstract

A robust and, healthy teacher-student connection helps to create an environment conducive to personal and academic progress. Stroke is the point at which a healthy relationship deviates from an unhealthy one in terms of behavior and words. Generally, strokes have been given in a conventional and non-literary manner. Still the literary form of strokes has been advocated as a way to open up an opportunity for the creative use of language, as well as the construction of a relationship between language, culture, and literature. This quantitative research aims to determine students' preferences for literary and non-literary strokes. Gender disparities in choice for literary and non-literary strokes are investigated to account for males' and females' preferences. They may have opposing viewpoints despite growing up in the same biological and cultural environment. The convenience sample technique was used to choose 411 students (133 men and 278 females) from a variety of majors and stages of study. The data was collected using a researcher-made questionnaire with literary and non-literary strokes. Results suggested that female students preferred non-literary strokes, while male students favored literary strokes. Female students' appreciation for non-literary strokes and male students' preference for literary strokes may be attributed to their personality traits, communication styles and social status. Other contributing aspects include the lack of intimate relationships between teachers and students of the opposite gender and differences in literary and non-literary language features.

How To Cite: Imani, Marzieh, Pishghadam, Reza, & Ebrahimi, Shima (2022). An Investigation of Gender Effects on Students' Preferences for Literary and Non-literary Strokes. *Women in Culture & Art*, 14(4), 627-652.

Publisher: University Of Tehran Press.





فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۴، شماره ۴
زمستان ۱۴۰۱، ۶۲۷-۶۵۲



بررسی ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی دانشجویان از منظر جنسیت

مرضیه ایمانی^۱ | رضا پیش‌قدم^۲ | شیمای ابراهیمی^۳

۱. کارشناس ارشد، آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: marziieh.imani@gmail.com
۲. استاد آموزش زبان انگلیسی و روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: pishghadam@um.ac.ir
۳. شیمای ابراهیمی، استادیار آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: shimaebrahimi@um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۴۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۶ خرداد ۱۴۰۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: جنسیت، نوازه، نوازه‌ ادبی، نوازه غیرادبی، نوازه‌گیری.</p>	<p>رابطه سالم مدرس و دانشجو می‌تواند فرصتی برای رشد فردی و تحصیلی فراهم کند. آنچه میان رابطه سالم و ناسالم تفاوت ایجاد می‌کند، استفاده از زبان و رفتاری نوازشی یا سرکوبگر است که به آن نوازه می‌گویند. به‌طور معمول، زبان نوازه‌ها معیار و غیرادبی است که نوع ادبی آن، با این پیش‌فرض مطرح شده است که می‌توان با ترکیب ادبیات و نوازه فرصتی برای کاربرد خلاقانه زبان و پیوند زبان، فرهنگ و ادبیات فراهم کرد. بدین‌منظور، مطالعه حاضر با هدف بررسی ترجیحات نوازه‌گیری دانشجویان به دریافت نوازه ادبی و غیرادبی، به روش کمی انجام شد. هدف از بررسی جنسیت، آگاهی از تفاوت و تمایل زنان و مردان به نوازه ادبی و غیرادبی است؛ زیرا آنان با وجود رشد در بستر زیستی و فرهنگی مشابه، ممکن است نگرش متفاوتی داشته باشند. حجم نمونه ۴۱۱ دانشجو (۱۳۳ مرد، ۲۷۸ زن) در مقاطع و رشته‌های تحصیلی گوناگون بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته نوازه‌های ادبی و غیرادبی است. نتایج نشان داد زنان به نوازه غیرادبی و مردان به نوازه ادبی تمایل بیشتری دارند. انتخاب نوازه‌های ادبی توسط مردان و نوازه‌های غیرادبی توسط زنان را می‌توان با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها، آداب گفت‌وگو میان زنان و مردان، جایگاه اجتماعی آن‌ها که موجب انتخاب زبان نوازه‌ها می‌شود و نبود رابطه‌ای صمیمی میان مدرس و دانشجوی غیرهمجنس و ویژگی‌های متفاوت زبان ادبی و غیرادبی توجیه کرد.</p>
<p>استناد به این مقاله: ایمانی، مرضیه، پیش‌قدم، رضا و ابراهیمی، شیمای (۱۴۰۱). بررسی ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی دانشجویان از منظر جنسیت. زن در فرهنگ و هنر، ۱۴(۴)، ۶۲۷-۶۵۲.</p> <p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران</p>	

مقدمه

آموزش فرایندی مادام‌العمر است که رشد و توسعه فردی، تحصیلی و شغلی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از دوران پیش‌دبستان تا دانشگاه، زنان و مردان به‌واسطه جنسیت^۱ خود با کلیشه‌های متعددی مواجه می‌شوند که نقشی حیاتی در زندگی آنان دارد. این کلیشه‌ها به گفته ماتلین^۲ (۱۳۸۹) اشاره به نگرش و باورهای افراد درباره یک گروه اجتماعی دارند که ممکن است دور از واقعیت باشند؛ برای نمونه، در فرهنگ مردسالار ایران، با برتر دانستن مردان نسبت به زنان، الزام زنان به رعایت اصول و چارچوب‌های اخلاقی و ارتباطی که معمولاً مردان کمتر ملزم به رعایت آن هستند و مسائل مربوط به کار یا تحصیل، زمینه تبعیض و نابرابری‌های جنسیتی^۳ فراهم شده است. در چنین شرایطی زنان بیشتر از مردان در معرض کلیشه‌ها و نابرابری‌ها قرار می‌گیرند. علاوه بر ویژگی‌های فیزیولوژیکی، آنچه بین زنان و مردان تفاوت ایجاد می‌کند توانایی‌ها، مهارت‌ها و شخصیت آنان است که در بستر زیستی، روانی و فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، همه انسان‌ها در تعامل با محیط، پیام‌هایی را دریافت می‌کنند که بر نگرش، احساسات و رفتار آنان تأثیرات مثبت یا منفی می‌گذارد. شناخت و درک این پیام‌ها به افراد کمک می‌کند تا بخش‌های ناسالم شخصیت را تغییر یا بهبود دهند و بخش‌های سالم را تقویت سازند تا علاوه بر داشتن روانی سالم، تعاملی مؤثر با دیگران برقرار کنند.

یکی از رویکردهای ارتباطی و تحلیلی که به شناخت و ایجاد تغییر کمک می‌کند، تحلیل رفتار متقابل^۴ است. در دهه ۱۹۶۰ این نظریه توسط اریک برن^۵ بر پایه الگوی سه‌گانه نفسانی^۶ (کودک^۷، والد^۸ و بزرگسال^۹) مطرح شد. هریک از این حالت‌های نفسانی در بردارنده رفتار و احساسات متفاوتی است که فرد می‌تواند به تقلید از عملکرد غیرمنطقی و احساسی یک کودک، نگرش و رفتار والدین (پدر و مادری کنترل‌گر یا حمایت‌کننده) یا رفتار مسئولانه یک فرد بالغ و بزرگسال، آن‌ها را تکرار کند. از این لحاظ، تحلیل رفتار متقابل بر آن است تا کشف کند که در ارتباطات، کدام حالات نفسانی بر عملکرد افراد غلبه دارد، تا با شناخت و ایجاد تغییر در آن، رابطه‌ای سالم میان افراد شکل بگیرد. اریک برن راه شناخت این پیام‌ها را نوازه^{۱۰} می‌داند.

1. gender
2. Matlin
3. gender inequalities
4. transactional analysis (TA)
5. Eric Berne
6. ego state
7. child ego state
8. parent ego state
9. adult ego state
10. stroke

هر فرد در بستر ارتباطی خود، پیام‌های کلامی و غیرکلامی دریافت می‌کند که می‌تواند تجربه‌ای خوشایند یا ناخوشایند برای او رقم بزند. این پیام‌های کلامی یا غیرکلامی را که نشان‌دهنده توجه فرستنده پیام به گیرنده است، نوازه می‌گویند. به عبارت دیگر نوازه، نیازهای احساسی و ارزشی افراد به دیده شدن است (Berne, 1988) و در هر ارتباطی که نیاز به درک و شناخت باشد از جمله ارتباطات آموزشی، درمانی و مشاوره به کار می‌رود (Stewart & Joins, 1987). بی‌تردید یکی از این بسترهای ارتباطی مهم و تأثیرگذار، محیط آموزشی است.

در زمینه آموزشی، کلید پیشرفت در یادگیری را می‌توان برقراری تعاملی اثربخش میان مدرس و دانشجو دانست؛ زیرا رابطه موفق میان مدرس و دانشجو سبب مشارکت کلاسی، افزایش انگیزه و یادگیری می‌شود (Zhou, 2021; Xie & Derakhshan, 2021)؛ درحالی‌که ارتباط منفی زمینه اضطراب و استرس آن‌ها را فراهم می‌کند (Alnuzaili & Uddin, 2020)؛ بنابراین، مدرس با شناخت نیازها و احساسات دانشجویان می‌تواند محیطی دوستانه برای آموزش و یادگیری آن‌ها فراهم کند. در این زمینه، نتایج بسیاری از مطالعات علمی نشان می‌دهد نوازه‌ها قادر به ایجاد بستری سازنده برای افزایش انگیزه یادگیری، تمایل به مشارکت، اعتمادبه‌نفس و بهبود ارتباطات هستند (Francis & Woodcock, 1996؛ پیش‌قدم و خواجه‌جو، ۲۰۱۴). با وجود این، گاهی مدرس در نوازه‌گری موفق عمل نمی‌کند (حسینی، ۲۰۱۶). با توجه به دیدگاه ایرج‌زاد (۲۰۱۵) علت آن را می‌توان در فرهنگ غالب در یک جامعه زبانی جویا شد. بی‌تردید در هر ارتباطی از جمله روابط میان مدرس و دانشجو، عوامل مؤثری مانند جنسیت، فرهنگ و زبان دخیل هستند که می‌توانند روند ارتباطات را تحت‌الشعاع قرار دهند.

در هر ارتباطی با توجه به تفاوت‌های میان زنان و مردان، آداب و قواعد خاصی برای معاشرت وجود دارد که بر مبنای فرهنگ غالب در جوامع شکل و معنا گرفته است. در فرهنگ ایران، زنان و مردان برای حضور در جامعه و برقراری تعاملی سالم، ملزم به رعایت موازین اسلامی-اخلاقی و اجتماعی هستند. به عبارت دیگر، اسلام از دو مفهوم محرم و نامحرم در تعامل میان زنان و مردان سخن می‌گوید که به واسطه آن شایسته است افراد آدابی را رعایت کنند؛ برای نمونه، یکی از مدل‌های نوازه‌گری غیرکلامی، لمس کردن و تماس بدنی است که به دلیل موازین اسلامی و اخلاقی، در فرهنگ ایران از آن خودداری می‌شود. افزون بر آن، در ارتباط با زنان و مردان، پنداشت‌های قالبی وجود دارد که متأثر از الگوهای مصوب جامعه و فرهنگ است و موجب شکل‌گیری هویت افراد می‌شود (رفعت‌جاه و رضایی، ۱۳۹۷). این پنداشت‌های قالب به نگرش و باورهای افراد درباره شخصیت و هویت زنان و مردان اشاره دارد. ایدئولوژی‌های جنسیتی که از طریق زبان در مکالمه و گفت‌وگو تداوم می‌یابند و به سایر اعضای جامعه منتقل می‌شوند (بخارائی، ۱۳۹۴). از این‌رو، میان زبان و جامعه رابطه‌ای متقابل وجود

دارد. به عقیده رجب‌لو و علیخانی (۱۳۹۵) در فرایند ارتباطی، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و موازین اخلاقی گروه‌های جامعه (مانند زنان و مردان) در زبان آن‌ها منعکس می‌شود. به همین منظور زبان راه شناخت این ویژگی‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها است.

با توجه به آنچه بیان شد، زبان و جنسیت دو عامل تأثیرگذار در روابط بین‌فردی به‌ویژه رابطه میان مدرس و دانشجو است. از این لحاظ، به‌نظر می‌رسد با تأکید بر زبان و جنسیت در ارتباط با نوازه‌ها بتوان تغییراتی اعمال کرد و مشخص کرد که آیا با ایجاد این تغییرات می‌توان بر تمایلات نوازه‌گیری دانشجویان تأثیر مثبت گذاشت و راهکاری برای گفته حسینی (۲۰۱۶) مبنی بر ناموفق بودن مدرسان در نوازه‌گری یافت یا خیر. با توجه به آنکه زبان رایج در تبادل نوازه‌ها صورت معیار زبان است، در این مطالعه از زبان جدیدی برای نوازه‌گری سخن گفته شده است.

زبان متداول در مکالمات مبتنی بر نوازه، برگرفته از مکالمات روزمره افراد در یک جامعه زبانی است. در تقابل با آن، مطالعه حاضر نوازه‌های جدیدی با عنوان نوازه‌های ادبی^۱ را مطرح می‌کند. نوازه‌های ادبی، برحسب آثار ادبی موجود در زبان و ادبیات فارسی تهیه می‌شوند. این احتمال وجود دارد که با تغییر زبان نوازه‌ها از غیرادبی^۲ به ادبی، به‌واسطه آهنگین‌شدن کلام، کاربرد آرایه‌های ادبی و حس روح‌بخشی ادبیات به کلام، نقش مؤثری در تبادل نوازه‌ها ایفا کند. افزون بر آن، جنسیت متفاوت مدرس با دانشجو نیز می‌تواند نقش حیاتی در تبادل نوازه‌ها داشته باشد. در این زمینه، برخی از مطالعات علمی نشان می‌دهند که مدرس در ارتباط با دانشجوی هم‌جنس، نوازه‌گری راحت‌تری دارد (سخت‌کار حدادی، ۲۰۱۷)؛ زیرا در جوامعی مانند ایران، به‌واسطه فرهنگ و مذهب، چارچوب‌های اخلاقی و ارتباطی بین زنان و مردان وجود دارد که سبب تعاملی غیرصمیمی بین مدرس و دانشجوی غیرهم‌جنس می‌شود. از این‌رو، در پژوهش حاضر دو نوازه ادبی و غیرادبی مطرح شده است تا مشخص شود دانشجویان برحسب جنسیت خود تمایل به دریافت کدام نوع نوازه دارند و آیا تفاوت بین آنان از این حیث معنادار است یا خیر.

پیشینه پژوهش

در فرایند ارتباطات، زنان و مردان به‌واسطه جنسیت متفاوت دارای نگرش، احساس و رفتاری متفاوت هستند و ترجیح متفاوتی در کاربرد زبان کلامی و غیرکلامی از خود نشان می‌دهند؛ برای نمونه، افروز و دانایی (۱۳۹۷) معتقدند زنان به‌دلیل توانایی رمزگشایی از زبان بدن، حساسیت بیشتری به کاربرد پیام‌های غیرکلامی دارند؛ زیرا زبان را ابزاری برای اعمال قدرت و رسیدن به جایگاه‌های اجتماعی بالا و منافع خود می‌دانند (فردوسی و فاضلی، ۱۴۰۰). منافی مانند تأیید و دیده‌شدن به‌عنوان یک

1. literary stroke

2. non-literary stroke

انسان و کسب احترام و منزلت اجتماعی. تلاش برای دیده شدن و کسب تأیید دیگری، نمایانگر ارزش وجودی نوازه‌ها در ارتباطات است. باید به این مهم توجه داشت که فارغ از جنسیت، همه افراد کمابیش به دنبال جلب اعتماد، حمایت و نوازه دیگری هستند تا احساس ارزشمندی در زندگی داشته باشند.

پیش‌قدم و خواجوی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با توجه به خصوصیت اصلی نوازه که شناخت و ارائه بازخورد به دیگری به شیوه کلامی یا غیرکلامی، مثبت یا منفی است، پرسشنامه‌ای برای سنجش نوازه دانشجویی اعتباریابی کردند. آن‌ها گزارش کردند که نوازه مدرس می‌تواند انگیزه درونی^۱ و بیرونی^۲ دانشجویان برای یادگیری را پیش‌بینی کند؛ بنابراین میان رفتارهای حمایتی مدرس و افزایش انگیزه یادگیری دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

ایرج‌زاد (۲۰۱۵) با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی به بررسی نوازه‌گری ۹ مدرس زبان انگلیسی، عربی و فارسی پرداخت. نتایج نشان داد از نظر وضعیت اقتصادی، بیشترین میزان نوازه‌گری در مدارس سطح بالا انجام می‌شود. افزون بر آن، درحالی که انتظار می‌رفت تأمین نوازه بیشتر توسط مدرس زبان فارسی به پیوند زبان، هویت و فرهنگ دانش‌آموزان منجر شود، مدرسان زبان انگلیسی و عربی با دریافت بالاترین رتبه در نوازه‌گری، از مدرس درس زبان فارسی پیشی گرفتند.

یزدان‌پور (۲۰۱۵) با در نظر گرفتن مؤلفه جنسیت، نقش نوازه را در ارتباط مدرس با دیگران بررسی کرد. در این مطالعه برای نخستین بار مقیاسی برای سنجش نوازه مدرس براساس پنج خرده‌مقیاس دولت، صاحبان مؤسسات زبان، همکاران، خانواده‌های زبان‌آموزان و خود زبان‌آموزان طراحی شد و ارتباط آن با فرسودگی شغلی^۳ مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد تمام خرده‌مقیاس‌ها به‌جز نوازه دریافت‌شده از همکاران، رابطه معناداری با فرسودگی شغلی مدرس دارند. به عبارت دیگر، مدرس با دریافت نوازه از دولت، صاحبان مؤسسات، خانواده‌های زبان‌آموزان و زبان‌آموزان، کمتر دچار فرسودگی شغلی می‌شوند؛ درحالی که دریافت نوازه یا عدم دریافت آن از همکاران تأثیر چندانی بر فرسودگی شغلی مدرس ندارد. افزون بر آن، جنسیت مدرس نیز ارتباطی با میزان فرسودگی شغلی آن‌ها ندارد و هر مدرسی که مورد حمایت قرار بگیرد کمتر دچار فرسودگی شغلی می‌شود.

آموزگار (۲۰۱۶) با بررسی ارتباط بین نوازه، انگیزه یادگیری و تمایل به برقراری ارتباط نشان داد نوازه‌ها با تأثیر گذاشتن بر انگیزه زبان‌آموزان، یادگیری را تسهیل می‌کنند. افزون بر آن، با در نظر گرفتن مؤلفه جنسیت مشخص شد زنان و مردان تفاوت چندانی در انگیزه یادگیری ندارند. هرچند زنان به دلیل مشارکت بیشتر در کلاس و تمایل به صحبت کردن، خود را بیشتر در معرض یادگیری قرار می‌دهند و ارتباط مؤثرتری با مدرس برقرار می‌کنند.

1. internal motivation
2. external motivation
3. job burnout

سخت‌کار حدادی (۲۰۱۷) به‌منظور بررسی ارتباط میان نوازه با جنسیت و سن، پرسشنامه‌ای برای سنجش نوازه‌گیری زبان‌آموزان براساس چهار موقعیت ارتباطی با مدرس زن و مرد در سنین جوانی و میانسالی طراحی کرد. در این موقعیت‌های ارتباطی، هریک از زبان‌آموزان زن و مرد، الگو و ترجیح خاص و متفاوتی برای دریافت انواع نوازه داشتند؛ به‌عنوان نمونه، زبان‌آموزان مرد در ارتباط با مدرس جوان مرد نشان دادند در دریافت سه نوازه کلامی شرطی مثبت، کلامی غیرشرطی مثبت و غیرکلامی مثبت، ترجیح خاصی ندارند؛ درحالی‌که اگر مجبور به دریافت نوازه منفی باشند، نوازه کلامی شرطی منفی را به نوازه‌های غیرشرطی منفی و غیرکلامی منفی ترجیح می‌دهند. در نوازه‌های کلامی شرطی منفی، فرد موظف است کاری را انجام دهد تا سرزنش نشود که به‌نظر می‌رسد زبان‌آموزان مرد این نوع نوازه را بر سایر نوازه‌های منفی ترجیح می‌دهند. افزون بر آن، تمام زبان‌آموزان در الگوی نوازه‌گیری خود دارای یک نکته مشترک بودند. آن‌ها برای دریافت انواع نوازه‌های مثبت تمایل یکسانی داشتند و زبان‌آموزان دختر نیز در ارتباط با مدرس هم‌سن و هم‌جنس خود و مدرس مرد در سن میانسالی، دریافت نوازه مثبت غیرکلامی را ترجیح می‌دادند. به‌نظر می‌رسد مدرس زن به‌علت جنسیت و سن مشابه با زبان‌آموز و مدرس مرد به‌علت سن بالا و اقتدار در شخصیت، هدف ناپسندی از ارائه نوازه مثبت غیرکلامی به زبان‌آموزان دختر ندارد.

نوربخش (۲۰۱۶) با بررسی نقش جنسیت و نوازه در موفقیت مدرس در آموزش زبان، به این نتیجه رسید که در تأمین نوازه، مدرس زن موفق‌تر از مدرس مرد عمل می‌کند. افزون بر آن، به‌نظر می‌رسد هرچه میزان نوازه‌گری مدرس بیشتر باشد، تمایل زبان‌آموزان به مشارکت نیز افزایش می‌یابد.

حیث‌عبدالحسین (۲۰۱۷) با بررسی نگرش زبان‌آموز عراقی، فهرستی از اولویت‌های نوازه‌گیری زبان‌آموزان ارائه داد. در این فهرست تفاوت معناداری میان انواع نوازه درخواستی زبان‌آموزان وجود نداشت و زبان‌آموزان در ارتباط با مدرس جوان، نوازه شرطی مثبت را ترجیح دادند؛ زیرا به‌نظر می‌رسد آنان تشویق به‌دلیل انجام فعالیت را بر تشویق به‌دلیل ویژگی‌های ذاتی و شخصیتشان ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر، آنان در ارتباط با مدرس میانسال، نوازه غیرشرطی مثبت را که اشاره به ویژگی‌های ذاتی افراد دارد ترجیح دادند و این امر نشان می‌دهد مؤلفه سن نیز در تبادل نوازه‌ها نقش مؤثری دارد.

جبارالجعاد (۲۰۱۷) با بررسی ارتباط میان جنسیت زبان‌آموزان عراقی و نوازه نشان داد هریک از زبان‌آموزان زن و مرد در ارتباط با مدرس، الگوی خاصی برای دریافت انواع نوازه دارند و در ارتباط با مدرس هم‌جنس خود احساس آرامش بیشتری می‌کنند. با توجه به اعتقادات مذهبی برخی از عراقی‌ها، این نکته متفاوت نیز گزارش شد که زبان‌آموزان زن، به مدرس مردی که رابطه دوستانه‌ای با آن‌ها دارد، نگرش مثبتی دارند و در مقابل نوازه‌گری منفی و رابطه غیرصمیمی، مدرس مرد را

سرزنش می‌کنند.

قندهاری‌نژاد (۲۰۱۹) با در نظر گرفتن مؤلفه اعتبار مدرس و پیشرفت در یادگیری، فرضیه نوازهای حسی^۱ را برای تأمین نیازهای عاطفی زبان‌آموزان، در روابط میان مدرس و دانشجو ارائه کرد. با توجه به آنکه نوازه حسی در بردارنده حواس پنج‌گانه است، مشخص شد بین نوازه حسی و اعتبار مدرس رابطه معناداری وجود دارد و از میان انواع نوازهای حسی، بینایی بیشترین و بویایی کمترین ارتباط را با اعتبار مدرس دارد. این مهم نشان می‌دهد در محیط‌های یادگیری، مدرس از طریق ابزارهای کمک‌آموزشی مانند پاورپوینت، بیشتر حس بصری را درگیر می‌کند و به حس بویایی کم توجه است.

فیروزیان پوراصفهانی، پیش‌قدم و نادری (۱۳۹۸) با در نظر گرفتن مؤلفه جنسیت، به بررسی و ارزیابی نوازه‌گیری مدرسان زبان انگلیسی از زبان‌آموزان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که زنان و مردان در دریافت نوازهای غیرشرطی مثبت و منفی، نوازه شرطی مثبت و نوازه غیرکلامی منفی ترجیح یکسانی دارند؛ در حالی که در دریافت نوازه شرطی منفی، مردان در مقایسه با زنان احساس ناخوشایندتری دارند و زنان در مورد دریافت نکردن نوازه این حس ناخوشایند را دارند. در ارتباط با نوازهای غیرکلامی مثبت نیز زنان بیش از مردان به دریافت آن تمایل دارند. آن‌ها معتقدند زنان به علت ویژگی‌های شخصیتی و ذاتی خود و روحیات تعاملی بالا بیشتر از مردان، خود را در معرض نوازه‌گیری قرار می‌دهند.

در پژوهشی دیگر، پیش‌قدم و همکاران (۲۰۲۱) با بررسی درک زبان‌آموزان ایرانی و عراقی از نوازه، اعتبار^۲ و موفقیت مدرس متوجه شدند هردو گروه، درک بالایی از نوازه معلم، اعتبار و موفقیت او دارند. در حقیقت، زبان‌آموزان هنگام رسیدن به اهداف و نیازهای عاطفی خود، درک بیشتری از موفقیت مدرس پیدا می‌کنند. شایان یادآوری است که تشابه نگرش دو گروه زبان‌آموزان ایرانی و عراقی نشان‌دهنده تمایل کشورهای آسیایی به عقاید جمع‌گرایانه^۳ است و مدرسان کشورهای آسیایی، یادگیری و موفقیت زبان‌آموزان را به اهداف خود ترجیح می‌دهند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در پژوهش‌های صورت‌گرفته، نوازه‌ها عاملی تأثیرگذار بر ارتباط مدرس و دانشجو هستند؛ هرچند به نظر می‌رسد برخی محدودیت‌های فرهنگی و جنسیتی، تبادل نوازه‌ها را مختل می‌کند. از این جهت در پژوهش حاضر، با ایجاد سبکی جدید برای تبادل نوازه‌ها، ضمن اثر گذاشتن بر نوع تعامل مدرس و دانشجو، به‌واسطه کاربرد نوازهای ادبی، از منظری نوین به نوازه‌ها می‌نگریم و آن را با زبان، فرهنگ و ادبیات نیز پیوند می‌دهیم. از این‌رو، نوآوری مطالعه حاضر در این است که برای نخستین بار نوازهای ادبی تولید و استفاده شده‌اند. شایان ذکر است که در تقابل با نوازهای ادبی، نوازهای پیشین و متداول با عنوان نوازهای غیرادبی نام‌گذاری شدند. ضمن

1. sensory stroke
2. credibility
3. collectivism

آنکه برای نخستین بار، این مطالعه به بررسی تمایل دانشجویان مرد و زن به دریافت نوازه‌های ادبی و غیرادبی می‌پردازد تا مشخص شود بر مبنای زبان ادبی و زبان روزمره، ترجیح دانشجویان به نوازه‌گیری چیست.

چارچوب نظری

۱. تحلیل رفتار متقابل

تحلیل رفتار متقابل یک رویکرد روان‌کاوی است که نخستین بار توسط اریک برن در دهه ۱۹۶۰ مطرح شده است تا با تجزیه و تحلیل شخصیت افراد و روابط میان آنان، رفتار انسان را توضیح دهد. در این رویکرد، عملکرد افراد بر اساس غلبه سه حالت شخصیتی متفاوت کودک، والد و بزرگسال تنظیم می‌شود. با درک و افزایش آگاهی از نقش تأثیرگذار این حالات نفسانی و تجربیات اولیه هر فرد در دوران کودکی می‌توان تغییراتی در نگرش و عملکرد افراد ایجاد کرد (Mishra, 2017). این تجربیات اولیه دارای پیام‌های مثبت و منفی هستند که افراد به واسطه رفتار، احساسات و سبک‌های تربیتی و شناختی، ناگزیرند تأثیرات آن را بپذیرند یا رد کنند. از این رو با به‌کاربردن تکنیک‌های موجود در تحلیل رفتار متقابل می‌توان آن‌ها را مدیریت کرد (Vos & Van Rijn, 2021). این تکنیک‌ها شامل حالات نفسانی، موقعیت^۱ و سناریوی زندگی^۲، ساختار زمان^۳، ارتباطات میان‌فردی و نوازه‌ها هستند (Stewart & Berne, 1988; Joins, 1987). با توجه به عقیده استوارت و جوینز (۱۹۸۷) مبنی بر کاربردی بودن تکنیک‌های تحلیل رفتار متقابل در تمام روابط از جمله آموزش، می‌توان از این تکنیک‌ها در محیط‌های آموزشی برای بهبود ارتباطات و تسهیل یادگیری استفاده کرد.

۲. نوازه

زبان، ابزار ارتباطات میان‌فردی است که در بردارنده احساسات، هیجانات و پیام‌های کلامی و غیرکلامی است. بخشی از این پیام‌ها در قالب واژگان و برخی دیگر به واسطه زبان بدن به دیگری منتقل می‌شوند. اریک برن این پیام‌های ارتباطی را نوازه می‌نامد و معتقد است نوازه‌ها را می‌توان نیاز افراد به دیده‌شدن و مورد توجه قرار گرفتن تعریف کرد (Francis Berne, 1988; Solomon, 2003; & Woodcock, 1996). استوارت و جوینز (۱۹۸۷) نوازه‌ها را به چند نوع دسته‌بندی کرده‌اند که در ادامه به توضیح هر یک پرداخته می‌شود.

الف) نوازه کلامی^۴: نوازه کلامی، به مجموعه‌ای از سخنان اشاره دارد که در بردارنده نوعی

-
1. life positions
 2. life-script
 3. time structuring
 4. verbal stroke

حس قدردانی نسبت به مخاطب است و می‌توان آن را در قالب یک کلمه یا جمله بیان کرد (Stewart & Joins, 1987; Song, 2021; Gao, 2021)؛ برای نمونه، هنگامی که مدرس در برابر انجام پروژه‌ای به دانشجو بگوید «آفرین، شما دانشجوی ممتازی هستید»، نوازه کلامی به کار برده است. شایان ذکر است گاهی نوازه‌های کلامی خوشایند نیستند؛ برای نمونه، جمله «شما دانشجوی بی‌مسئولیتی هستید» می‌تواند احساس سرافکنندگی ایجاد کند. به‌طور معمول در تمام روابط، دو نوع مثبت و منفی نوازه‌ها وجود دارند که افراد با کسب آگاهی و شناخت می‌توانند در پذیرش یا رد آن‌ها هوشمندانه عمل کنند.

ب) نوازه غیر کلامی^۱: هر نوع بازخوردی را که با زبان بدن و بدون کلام به دیگری داده شود، نوازه غیر کلامی می‌گویند (Stewart & Joins, 1987; Gao, 2021)؛ پیش‌قدم، ابراهیمی و طباطبائیان، ۱۳۹۸). بیان و درک این نوازه‌ها از طریق حواس پنج‌گانه انسان انجام می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، مدرس و دانشجو با شیوه نگریستن، پوزخند یا تبسم می‌توانند احساسات خوشایند یا ناخوشایندی را به یکدیگر بدهند. شایان ذکر است با درگیری هوشمندانه حواس در کلاس از طریق ایجاد رایحه‌ای خوشایند، موسیقی گوش‌نواز، نوشیدن یک دمنوش، فیلم یا پاورپوینت‌های خلاقانه می‌توان نوازه‌های غیر کلامی ایجاد کرد.

پ) نوازه مثبت^۲: به هر بازخورد مثبت و فرح‌بخشی که موجب خرسندی افراد شود، نوازه مثبت می‌گویند (پیش‌قدم، ابراهیمی و طباطبائیان، ۱۳۹۸)؛ به‌عنوان نمونه، «شما دانشجوی بااستعدادی هستید»، نوازه‌ای مثبت است که می‌تواند موجب افزایش انگیزه یادگیری دانشجویان شود. بازخوردهای مثبت عاملی مؤثر در رشد و تقویت اعتماد به نفس هستند.

ت) نوازه منفی^۳: به هر نوع پاسخ منفی و ناراحت‌کننده‌ای که با هدف تنبیه یا اجبار برای انجام کاری به دیگری داده شود، نوازه منفی می‌گویند (پیش‌قدم، ابراهیمی و طباطبائیان، ۱۳۹۸). نوازه‌های منفی، تجربیات دردناکی هستند که موجب کاهش عزت‌نفس می‌شوند (Francis & Woodcock, 1996; Stewart & Joins, 1987)؛ به‌عنوان نمونه، جمله «شما دانشجوی بی‌انضباطی هستید»، نوازه‌ای منفی است. گاهی این نوازه‌ها می‌توانند محرکی برای اصلاح رفتار باشند. درواقع افراد دریافت نوازه‌های منفی را به بی‌نوازی ترجیح می‌دهند (Stewart & Joins, 1987).

ث) نوازه شرطی^۴: اگر افراد برای دریافت نوازه وادار به انجام کاری شوند، از نوازه‌های شرطی استفاده شده است (Stewart & Joins, 1987)؛ به‌عنوان نمونه، مدرس با جمله «اگر

1. non-verbal stroke
2. positive stroke
3. negative stroke
4. conditional stroke

به‌موقع در کلاس حضور نداشته باشید، از نمره شما کم می‌شود»، دانشجویان را ملزم به حضور می‌کند. در غیر این صورت آنان نوازه منفی شرطی می‌گیرند. جمله «اگر مقاله خوبی بنویسید، در نشریه دانشگاه چاپ می‌کنیم» نیز نوازه مثبت شرطی است که در آن، شرط مدرس برای نوازه‌گری، نگارش یک مقاله خوب ذکر شده است.

ج) نوازه غیرشرطی^۱: هر نوع توجه، تحسین یا نکوهش افراد به‌دلیل ویژگی‌های ذاتی را نوازه‌های غیرشرطی می‌گویند (پیش‌قدم، ابراهیمی و طباطبائیان، ۱۳۹۸)؛ به‌عنوان نمونه، «شما چهره زیبایی دارید»، نوازه مثبت غیرشرطی و «شما چقدر بی‌استعدادید»، نوازه منفی غیرشرطی هستند. باید خاطرنشان ساخت که بدترین نوع نوازه، نوازه‌های منفی غیرشرطی هستند؛ زیرا این نوازه‌ها با تخریب تصویر ذهنی افراد در مورد خود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به عزت‌نفس و میل آنان به زیستن وارد می‌کنند (Solomon, 2003).

۳. نوازه‌گر^۲ و نوازه‌گیر^۳

در تعاملات میان‌فردی، حضور دو شخص فرستنده و گیرنده پیام برای ایجاد و تداوم ارتباط ضروری است. در تبادل نوازه‌ها به این دو شخص، نوازه‌گر و نوازه‌گیر می‌گویند. این دو مفهوم اولین بار توسط پیش‌قدم و فرخنده‌فال (۱۳۹۵) مطرح شده است. آنان به فرستنده نوازه، نوازه‌گر و به دریافت‌کننده آن، نوازه‌گیر می‌گویند. در یک ارتباط آموزشی، مدرس می‌تواند در نقش نوازه‌گر به دانشجویان نوازه بدهد و در نقش نوازه‌گیر از آنان نوازه بگیرد. به عبارت دیگر، مدرس یا دانشجو هم‌زمان می‌توانند نوازه‌گر و نوازه‌گیر باشند.

۴. نوازه ادبی و غیرادبی

برحسب کاربرد زبان، می‌توان دسته جدیدی برای نوازه‌ها در نظر گرفت. زبان رایج در تبادل نوازه‌ها، زبان معیار است که به آن نوازه غیرادبی می‌گویند (تمامی مثال‌های فوق). در مقابل این نوازه‌ها، می‌توان از نوازه جدید ادبی (برگرفته از ادبیات فارسی و زبان ادبی) نام برد. در عرصه زبان و ادبیات فارسی، تشبیهات، استعاره‌ها و در کل آرایه‌های ادبی قابلیت تبدیل به نوازه‌های ادبی را دارند. به عبارت دیگر تمام جملات و کلمات ادبی که بتوان در وصف، ستایش یا نکوهش دیگری به کار برد، نوازه ادبی به حساب می‌آیند. نوازه‌های ادبی با داشتن این صنایع و فنون ادبی، سرشار از عواطف و احساساتی هستند که می‌توانند به کلام جان تازه‌ای ببخشند و سبب درگیری تخیلی مخاطب شوند؛ زیرا در زبان ادبی، کلام با هدف به‌نمایش گذاشتن عواطف و هیجانات درونی و برانگیختن احساسات مخاطب به کار می‌رود (بارانی، ۱۳۸۲؛ حاج مؤمن و صالح‌بک، ۱۳۹۴). به

1. unconditional stroke
2. stroker
3. strokee

همین سبب مدرس با استفاده از نوازه‌های ادبی می‌تواند عواطف و احساسات دانشجویان را تلطیف کند و بر انگیزه یادگیری آنان تأثیر مثبت بگذارد. برای تفهیم بهتر تفاوت میان نوازه‌های ادبی و غیرادبی، نمونه‌هایی در شکل ۱ ارائه خواهد شد که برگرفته از پرسشنامه نوازه‌های ادبی و غیرادبی است.



شکل ۱. نوازه‌های ادبی و غیرادبی

۵. جنسیت

جنسیت یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط میان‌فردی است. در اصل در فرایند ارتباطات، زنان و مردان به دلیل جنسیت متفاوت خود، در ارسال و دریافت پیام‌های کلامی و غیرکلامی با یکدیگر متفاوت عمل می‌کنند؛ زیرا در ارتباطات میان زنان و مردان، نگرش‌ها، انتظارات و تصورات جنسیتی وجود دارد که برآیندی از جامعه و فرهنگ غالب بر آن است؛ به‌عنوان نمونه در فرهنگ ایران افراد به‌واسطه مذهب، ملزم به رعایت موازین اخلاقی و اسلامی هستند که بر تبادل نوازه‌ها تأثیر می‌گذارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه کمی به بررسی ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی دانشجویان مرد و زن در مقاطع تحصیلی گوناگون می‌پردازد. در این مطالعه، تمام دانشجویان مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در همه دانشگاه‌های سطح ایران امکان مشارکت داشتند.

با توجه به شیوع کرونا و عدم دسترسی به مخاطبان، پرسشنامه کمی «ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی» که برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایمانی (۱۴۰۱) است، در گوگل پیاده شد و لینک آن از طریق اینترنت در گروه‌ها و کانال‌های متعدد تلگرام، اینستاگرام و واتس‌آپ منتشر شد. بعد از انتشار برخط پرسشنامه، ۴۱۱ پاسخنامه جمع‌آوری شد. از این‌رو، حجم نمونه مطالعه حاضر شامل ۴۱۱ دانشجو در مقاطع تحصیلی متفاوت کاردانی (۱۹ نفر)، کارشناسی (۲۸۵ نفر)، کارشناسی ارشد (۷۶ نفر) و دکتری (۳۱ نفر) است. با توجه به شیوه نمونه‌گیری دردسترس، دانشجویان از دانشگاه‌های گوناگونی در این مطالعه حضور یافتند. از میان ۴۱۱ دانشجو، ۳ نفر از دانشگاه‌های رنا، کاتب و جوزجان افغانستان، ۱ نفر از دانشگاه تگزاس آمریکا و ۲ شخص به‌صورت نامعلوم در این مطالعه حضور داشتند و مابقی دانشجویان از دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی، پیام‌نور، فرهنگیان و آزاد ایران بودند که به‌علت پراکندگی و تنوع بسیار آن‌ها از ذکر اسامی خودداری شده است.

ابزار پژوهش

برای ارزیابی ترجیحات نوازه‌گیری دانشجویان، پرسشنامه نوازه‌های ادبی و غیرادبی توسط پژوهشگران طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه و ۴ خرده‌مقیاس است که به موقعیت‌های متعددی برای نوازه‌گری مدرس اشاره دارد. در هر موقعیت فرضی، دو جمله یا رفتار بیان شده است که شرکت‌کنندگان در مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت^۱ با انتخاب گزینه‌های «خیلی زیاد» تا «خیلی کم» میزان علاقه و تمایل خود را به کاربرد آن نشان می‌دهند. این مقیاس دارای چهار زیرسازه نوازه‌های کلامی مثبت، کلامی منفی، غیرکلامی مثبت، غیرکلامی منفی، شرطی مثبت، شرطی منفی، غیرشرطی مثبت و غیرشرطی منفی است که هرکدام شامل دو مورد ادبی و غیرادبی هستند؛ به‌عنوان نمونه، در یکی از موقعیت‌ها مدرس می‌کوشد با به‌کاربردن دو جمله ادبی «سعی ناپرده در این راه به جایی نرسی / مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد بپر» و جمله غیرادبی «اگر می‌خواهید نمره بالا بگیرید، باید تکالیف خود را انجام دهید» به دانشجویان نوازه شرطی مثبت بدهد. در این نوع نوازه‌گری، دانشجویان با انجام فعالیتی، امتیاز و نوازه‌ای فراخور آن دریافت می‌کنند. در حقیقت، دانشجویان می‌توانند با انتخاب یکی از جملات ادبی یا غیرادبی فوق، ترجیح خود را برای دریافت نوازه ادبی مثبت شرطی یا غیرادبی شرطی نشان دهند. در سایر موقعیت‌ها نیز به این شیوه، دو نوازه ادبی و غیرادبی ارائه شده است که از دانشجویان خواسته شد مطابق با هر موقعیت، نوع ترجیح خود را درباره دو نوع ادبی و غیرادبی انواع نوازه‌ها مشخص کنند.

پرسشنامه ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی در چند مرحله تهیه و تدوین شده است. در مرحله نخست، بعد از طراحی انواع نوازه‌های ادبی و غیرادبی، پرسشنامه مورد بازبینی ۱۰ عضو از اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد قرار گرفت. بعد از تأیید روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، انتشار آن و جمع‌آوری پاسخنامه‌ها، داده‌ها از طریق آزمون‌های آماری ارزیابی شدند. ابتدا نرمال بودن داده‌ها از طریق آزمون نرمالیتی^۱ تأیید شد و به منظور جلوگیری از خطای واریانس روش مشترک^۲ (CMV)، آزمون تک‌عاملی هارمن^۳ اجرا شد. نتایج آزمون هارمن مشخص کرد نخستین عامل به‌دست‌آمده ۴۱/۳۹ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. در نتیجه خطای روش مشترک نمی‌تواند مشکلی در این پژوهش ایجاد کند. در مرحله بعد، روایی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی^۴ بررسی و تأیید شد. پس از تکمیل اعتبارسنجی، پایایی کل پرسشنامه و چهار خرده‌مقیاس آن از طریق آلفای کرونباخ^۵ بررسی شد. نتایج آلفای کرونباخ نشان داد تمام آیت‌ها بالای ۰/۸۰ هستند و پایایی کل پرسشنامه به میزان ۰/۹۳ محاسبه شد که از نظر آماری مطلوب است. این آمار به محققان اطمینان می‌دهد که می‌توانند از این پرسشنامه برای ارزیابی ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی دانشجویان استفاده کنند (ایمانی، ۱۴۰۱).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا^۶)، اثر پیلائی^۷ و لامبدای ویکلز^۸، آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها و مقایسه زوجی استفاده شد. در مرحله اول برای نشان‌دادن رابطه معنادار میان جنسیت و انواع نوازه‌های مثبت و منفی کلامی، غیرکلامی، شرطی و غیرشرطی از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. سپس بعد از تأیید همبستگی معنادار میان برخی از مقیاس‌ها، نوازه‌های ادبی و غیرادبی به کمک آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها تفکیک شدند. در مرحله پایانی نیز پس از گرفتن میانگین، از مقایسه زوجی استفاده شد تا محل اختلاف بین نوازه‌ها مشخص شود.

یافته‌های پژوهش

با در نظر گرفتن مؤلفه جنسیت، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد اثر پیلائی و لامبدای ویکلز در نوازه‌های کلامی ادبی، کلامی غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرشرطی

1. Normality Test
2. Common Method Variance
3. Harman's Single-Factor Test
4. Confirmatory Factor Analysis
5. Cronbach's Alpha
6. Manova
7. Pillais Trace
8. Wilks Lambda

غیرادبی معنادار هستند؛ بنابراین، جنسیت شرکت‌کنندگان بر ترجیحات آن‌ها به دریافت نوازه‌های کلامی ادبی، کلامی غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرشرطی غیرادبی تأثیر دارد؛ درحالی‌که در نوازه‌های غیرکلامی و شرطی ادبی و غیرادبی، اثر پیلائی و لامبدای ویکلز معنادار نیستند و تفاوتی میان میانگین نوازه‌های غیرکلامی و شرطی ادبی و غیرادبی شرکت‌کنندگان وجود ندارد. بدین ترتیب، شرکت‌کنندگان مرد و زن ترجیح یکسانی نسبت به دریافت نوازه‌های غیرکلامی و شرطی ادبی و غیرادبی دارند (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره

منبع	نوازه	مقدار	تحلیل واریانس	درجه آزادی فرضیه	سطح معناداری	مرجع اتای جزئی	توان مشاهده شده
جنسیت	کلامی	اثر پیلائی	۰/۰۲	۳/۴۳	۲/۰۰	۰/۰۳	۰/۷۵
		لامبدای ویکلز	۰/۹۷	۳/۴۳	۲/۰۰	۰/۰۳	۰/۷۵
		تی‌هوتلینگ	۰/۰۲	۳/۴۳	۲/۰۰	۰/۰۳	۰/۷۵
		بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۲	۳/۴۳	۲/۰۰	۰/۰۳	۰/۷۵
	غیرکلامی	اثر پیلائی	۰/۰۰۵	۰/۷۵	۲/۰۰	۰/۴۶	۰/۷۱
		لامبدای ویکلز	۰/۹۹	۰/۷۵	۲/۰۰	۰/۴۶	۰/۷۱
		تی‌هوتلینگ	۰/۰۰۵	۰/۷۵	۲/۰۰	۰/۴۶	۰/۷۱
		بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۰۵	۰/۷۵	۲/۰۰	۰/۴۶	۰/۷۱
	شرطی	اثر پیلائی	۰/۰۰۵	۰/۶۹	۲/۰۰	۰/۵۰	۰/۷۹
		لامبدای ویکلز	۰/۹۹	۰/۶۹	۲/۰۰	۰/۵۰	۰/۷۹
		تی‌هوتلینگ	۰/۰۰۵	۰/۶۹	۲/۰۰	۰/۵۰	۰/۷۹
		بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۰۵	۰/۶۹	۲/۰۰	۰/۵۰	۰/۷۹
غیرشرطی	اثر پیلائی	۰/۰۱	۲/۶۸	۲/۰۰	۰/۰۵	۰/۸۵	
	لامبدای ویکلز	۰/۹۸	۲/۶۸	۲/۰۰	۰/۰۵	۰/۸۵	
	تی‌هوتلینگ	۰/۰۱	۲/۶۸	۲/۰۰	۰/۰۵	۰/۸۵	
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۱	۲/۶۸	۲/۰۰	۰/۰۵	۰/۸۵	

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، اثر پیلائی و لامبدای ویکلز در ارتباط با نوازه‌های غیرکلامی و شرطی ادبی و غیرادبی معنادار نیست. به عبارت دیگر، زنان و مردان درباره دریافت نوازه‌های فوق، ترجیحی از خود نشان ندادند؛ درحالی‌که در ارتباط با نوازه‌های غیرشرطی ادبی، غیرشرطی غیرادبی و نوازه‌های کلامی ادبی و کلامی غیرادبی اثر پیلائی و لامبدای ویکلز معنادار است. از این‌رو، به‌منظور بررسی ترجیحات دانشجویان به دریافت هریک از نوازه‌های کلامی ادبی، کلامی غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرشرطی غیرادبی از منظر جنسیت، آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها به‌کار رفت.

جدول ۲. آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها در ارتباط با نوازه‌های کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه‌های

غیرشرطی ادبی و غیرادبی

منبع	نوازه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	تحلیل واریانس	سطح معناداری	مربع اتای جزئی	توان مشاهده شده
جنسیت	غیرشرطی ادبی	۲۲۳/۲۳	۱	۲۲۳/۲۳	۴/۹۷	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۸۶
	غیرشرطی غیرادبی	۱۸۴/۹۰	۱	۱۸۴/۹۰	۴/۴۱	۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۷۳
	کلامی ادبی	۱۶۵/۹۷	۱	۱۶۵/۹۷	۶/۶۱	۰/۰۱	۰/۲۳	۰/۷۸
	کلامی غیرادبی	۲۱۵/۰۹	۱	۲۱۵/۰۹	۵/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۷۲

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها با هدف بررسی ترجیحات دانشجویان به دریافت نوازه‌های کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرادبی از منظر جنسیت، به صورت مجزا تحلیل شدند و یافته‌ها نشان داد میان جنسیت و هریک از نوازه‌های فوق‌الذکر، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

به منظور دستیابی به تفاوت‌های میان انواع نوازه‌های کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرادبی، میانگین آن‌ها با تأکید بر جنسیت شرکت‌کنندگان در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. میانگین تمایل شرکت‌کنندگان به دریافت نوازه کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه غیرشرطی ادبی

و غیرادبی

نوازه	جنسیت	میانگین (انحراف از معیار)	تعداد
غیرشرطی ادبی	مرد	۱۱/۹۰ (۶/۹۱)	۸۷
	زن	۹/۹۷ (۶/۶۰)	۱۹۸
غیرشرطی غیرادبی	مرد	۱۱/۵۳ (۶/۸۴)	۸۷
	زن	۱۳/۲۸ (۶/۲۹)	۱۹۸
کلامی ادبی	مرد	۵/۷۱ (۵/۴۴)	۸۷
	زن	۴/۰۶ (۴/۸۰)	۱۹۸
کلامی غیرادبی	مرد	۱۷/۷۷ (۶/۸۰)	۸۷
	زن	۱۹/۶۶ (۶/۳۸)	۱۹۸

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، میانگین تمایل دانشجویان به دریافت نوازه‌های کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه‌های غیرشرطی ادبی و غیرادبی به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت هستند. از این رو مقایسه زوجی انجام شد تا محل اختلاف آن‌ها مشخص شود (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه زوجی میانگین تمایل شرکت‌کنندگان به دریافت نوازه کلامی ادبی و غیرادبی و نوازه

غیرشرطی ادبی و غیرادبی

نوازه	آزمون I	آزمون J	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	سطح معناداری
غیرشرطی ادبی	۱	۲	۱/۹۲ *	۰/۸۶	۰/۰۲
	۲	۱	-۱/۹۲ *	۰/۸۶	۰/۰۲
غیرشرطی غیرادبی	۱	۲	-۱/۷۴ *	۰/۸۳	۰/۰۳
	۲	۱	۱/۷۴ *	۰/۸۳	۰/۰۳
کلامی ادبی	۱	۲	۱/۶۵ *	۰/۶۴	۰/۰۱
	۲	۱	-۱/۶۵ *	۰/۶۴	۰/۰۱
کلامی غیرادبی	۱	۲	-۱/۸۸ *	۰/۸۳	۰/۰۲
	۲	۱	۱/۸۸ *	۰/۸۱	۰/۰۲

* اختلاف میانگین در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

همان‌طور که در جدول ۴ قابل‌مشاهده است، در ارتباط با نوازه‌های کلامی، شرکت‌کنندگان مرد به نوازه‌های ادبی تمایل بیشتری دارند؛ درحالی‌که شرکت‌کنندگان زن بیشتر متمایل به دریافت نوازه‌های غیرادبی کلامی هستند. یافته‌ها در ارتباط با نوازه‌های غیرشرطی نیز نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان زن بیشتر نوازه‌های غیرادبی غیرشرطی را ترجیح می‌دهند؛ درحالی‌که شرکت‌کنندگان مرد به نوازه‌های ادبی غیرشرطی تمایل بیشتری دارند.

با توجه به دسته‌بندی نوازه‌ها به انواع کلامی و غیرکلامی، شرطی و غیرشرطی، ارتباط هریک با جنسیت به‌صورت مجزا بررسی شد. در کل، یافته‌ها نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان مرد و زن در ارتباط با دریافت نوازه‌های غیرکلامی و شرطی ادبی و غیرادبی، ترجیح یکسانی دارند؛ درحالی‌که شرکت‌کنندگان مرد و زن در مورد دریافت نوازه‌های کلامی و غیرشرطی ادبی و غیرادبی دارای دیدگاه متفاوتی هستند. شرکت‌کنندگان مرد بیشتر متمایل به دریافت نوازه‌های ادبی کلامی و غیرشرطی بودند و شرکت‌کنندگان زن بیشتر متمایل به دریافت نوازه‌های غیرادبی کلامی و غیرشرطی بودند که در ادامه به بحث و تفسیر آن‌ها پرداخته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از دغدغه‌های مهم در محیط‌های آموزشی، برقراری تعاملی مثبت و مؤثر میان مدرس و دانشجو است؛ زیرا مدرسی با سطح دانش متوسط، با شناخت دانشجویان خود و برقراری تعاملی مثبت، مؤثر و حمایت‌کننده با آن‌ها در مقایسه با مدرسی که دانش بیشتر ولی مهارت ارتباطی ضعیفی دارد، می‌تواند اثر ماندگارتری بر ذهن دانشجویان بگذارد. از این‌رو، در تعاملات

میان فردی به‌ویژه ارتباط میان زنان و مردان، توجه به موازین اخلاقی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصیتی مخاطبان حائز اهمیت است؛ زیرا یک ارتباط موفق در سایه شناخت مخاطبان و آگاهی از نیازهای آن‌ها میسر می‌شود. در فرایند ارتباطی، شناخت این ویژگی‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها به‌واسطه زبان مخاطبان آن قابل‌شناسایی است (رجبلو و علیخانی، ۱۳۹۵). یکی از راه‌های شناخت پیام‌های کلامی و غیرکلامی در ارتباطات، نوازه‌ها هستند.

نوازه، مؤلفه‌ای تأثیرگذار در ارتباط مدرس و دانشجو است. در حقیقت مدرس ضمن شناخت مشکلات و نیازهای عاطفی دانشجویان می‌تواند با تبادل هوشمندانه نوازه‌ها، بخشی از نیازهای عاطفی آن‌ها را تأمین سازد و بستری سازنده برای رشد فردی و تحصیلی ایجاد کند. با توجه به آنکه نوازه‌های معمول به زبان ساده و غیرادبی هستند، در این مطالعه با فرض تأثیرگذاری و جان‌بخشی ادبیات به کلام، نوازه‌های ادبی مطرح شدند تا مشخص شود که مردان و زنان به‌واسطه تفاوت‌هایشان، کدام نوازه ادبی یا غیرادبی را برمی‌گزینند. از این‌رو، هدف مطالعه حاضر آگاهی از تمایل دانشجویان زن و مرد به نوازه‌های ادبی و غیرادبی است.

با توجه به آنکه نوازه‌ها دارای انواع کلامی و غیرکلامی، شرطی و غیرشرطی هستند، شرکت‌کنندگان مرد و زن تمایلات متفاوتی به دریافت آن‌ها داشتند. در ارتباط با نوازه‌های شرطی مثبت و منفی، جدول ۱ نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان مرد و زن ترجیح خاصی به دریافت نوع ادبی یا غیرادبی آن ندارند. در این راستا، براساس یافته‌های پژوهش سخت‌کار حدادی (۲۰۱۷) دانشجویان برای دریافت نوازه‌های مثبت غیرادبی شرطی و سایر نوازه‌های غیرادبی مثبت ترجیح خاصی ندارند؛ درحالی‌که حیثت‌عبدالحمید (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که زبان‌آموزان در تعامل با مدرسان جوان، نوع مثبت نوازه‌های غیرادبی شرطی را بر سایر نوازه‌ها ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر، زبان‌آموزان بیشتر تمایل دارند به دلیل انجام فعالیت و کاری که به آن‌ها محول شده است، مورد تشویق و حمایت مدرس قرار بگیرند، اما در ارتباط با نوازه‌های منفی غیرادبی شرطی، سخت‌کار حدادی (۲۰۱۷) دریافت که اگر دانشجویان قرار باشد نوازه منفی از مدرس دریافت کنند، نوع شرطی آن (تنبیه و نکوهش به دلیل انجام‌ندادن فعالیت و کاری که به فرد محول شده است) را بر سایر نوازه‌های غیرادبی منفی ترجیح می‌دهند؛ درحالی‌که از منظر جنسیت، یافته‌های فیروزیان پوراصفهان‌ی، پیش‌قدم و نادری (۱۳۹۸) مشخص ساخت مدرسان مرد در مقایسه با مدرسان زن، حساسیت بیشتری به دریافت نوازه‌های منفی غیرادبی شرطی دارند. به عبارت دیگر، مردان در دریافت نوازه‌های منفی غیرادبی شرطی، احساس ناخوشایندتری دارند.

در ارتباط با نوازه‌های غیرکلامی مثبت و منفی، جدول ۱ نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان مرد و زن ترجیح یکسانی به دریافت آن دارند. در ارتباط با نوازه‌های غیرادبی، یافته‌های پژوهش

فیروزیان پوراصفهان‌ی، پیش‌قدم و نادری (۱۳۹۸) تأیید کردند که زنان و مردان ترجیح یکسانی به دریافت نوازۀ منفی غیرکلامی دارند، اما در ارتباط با نوازهای مثبت غیرکلامی مشخص شد زنان بیشتر از مردان به دریافت این نوازها تمایل دارند؛ درحالی‌که یافته‌های سخت‌کار حدادی (۲۰۱۷) در راستای نوازهای غیرادبی، خلاف آن را نشان می‌دهد. طبق بررسی وی زنان و مردان ترجیح خاصی به دریافت نوازۀ مثبت غیرکلامی ندارند، به‌استثنای زبان‌آموزان زن که در تعامل با مدرسان میانسال مرد و مدرسان جوان زن تمایل متفاوتی دارند. درواقع زبان‌آموزان زن فقط در ارتباط با مدرسان میانسال مرد و مدرسان جوان زن، احساس خوشایندی به دریافت نوازهای مثبت غیرکلامی دارند؛ زیرا از دریافت نوازهای غیرکلامی از مدرسان زن به‌دلیل سن و جنسیت مشابه و از مدرسان میانسال مرد به‌دلیل سن بالا و اقتدار در شخصیت، برداشت منفی نداشتند. با توجه به محیط فرهنگی و مذهبی ایران و ارتباط غیرصمیمی مدرس با دانشجو، این نتیجه قابل‌توجیه است؛ زیرا در جوامع مذهبی مانند ایران، افراد به‌واسطه جنسیت متفاوت ملزم به رعایت چارچوب‌هایی هستند که موجب رابطه‌ای غیرصمیمی بین زن و مرد می‌شود. در همین راستا، به‌نظر می‌رسد دو مؤلفه سن و جنسیت، روند تبادل نوازها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

در ارتباط با نوازهای غیرشرطی مثبت و منفی، یافته‌ها نشان داد دانشجویان زن و مرد تمایل متفاوتی به دریافت نوع ادبی و غیرادبی آن دارند. در اصل دانشجویان بیشتر تمایل به دریافت نوازۀ غیرادبی هستند و دانشجویان مرد بیشتر تمایل دارند که نوازهای ادبی دریافت کنند. در ارتباط با نوع غیرادبی نوازهای غیرشرطی، فیروزیان پوراصفهان‌ی، پیش‌قدم و نادری (۱۳۹۸) و سخت‌کار حدادی (۲۰۱۷) نشان داد زنان و مردان ترجیح خاصی به دریافت نوع مثبت و منفی آن ندارند؛ درحالی‌که حینت‌عبدالحسین (۲۰۱۷) با تأکید بر سن مدرس، دریافت نوازۀ مثبت غیرادبی غیرشرطی را از مدرسان میانسال خوشایند دانست.

در ارتباط با نوازهای کلامی مثبت و منفی، یافته‌ها نشان داد زنان و مردان ترجیحات نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی متفاوتی دارند. درواقع دانشجویان زن بیشتر تمایل به دریافت نوازهای غیرادبی کلامی دارند و دانشجویان مرد، نوازهای ادبی کلامی را بیشتر می‌پسندند.

آنچه تاکنون از یافته‌های پیشین به‌منظور ارتباط‌دادن با یافته‌های پژوهش حاضر بیان شد، مربوط به نوازهای غیرادبی بود. این مطالعه دو نوع ادبی و غیرادبی نوازهای کلامی و غیرکلامی، شرطی و غیرشرطی را مطرح کرد، اما به‌علت جدیدبودن مفهوم نوازهای ادبی و نبودن مطالعاتی در این زمینه، امکان مطابقت‌دادن نتایج با یافته‌های پیشین وجود نداشت. از این‌رو، در ادامه تمایل کلی دانشجویان زن و مرد به نوازهای ادبی و غیرادبی و علت انتخاب آن‌ها توضیح داده می‌شود. درواقع مهم‌ترین پرسشی که این مطالعه به آن پاسخ داد این است

که زنان و مردان با توجه به تفاوت‌هایی که دارند، در تقابل میان نوازه‌های ادبی و غیرادبی بیشتر متمایل به دریافت کدام زبان هستند.

در کل از منظر جنسیت مشخص شد دانشجویان مرد نوازه‌های ادبی را بر نوازه‌های غیرادبی ترجیح می‌دهند و در مقابل، دانشجویان زن بیشتر به نوازه‌های غیرادبی و متداول تمایل دارند که در ادامه احتمالاتی برای بیان علت‌های انتخاب آن‌ها شرح داده می‌شود.

در زمینه تمایل شرکت‌کنندگان زن به دریافت نوازه‌های غیرادبی و انتخاب نکردن نوازه‌های ادبی می‌توان چند احتمال داد. یک علت را می‌توان جایگاه اجتماعی زنان و تلاش آن‌ها برای حفظ قدرت و نفوذ کلام از طریق زبان دانست. در جوامعی مانند ایران، نبود تساوی در تقسیم قدرت و سابقه حضور کمتر زنان در اجتماع موجب روی آوردن آن‌ها به یک صورت و زبان خاص شده است؛ زبانی قاطع که بتواند راه رسیدن به خواسته‌ها و اهداف آن‌ها را هموار کند. این زبان به گفته فردوسی و فاضلی (۱۴۰۰) صورت معیار و استاندارد زبان است. در حقیقت، زنان با مثبت‌دانستن ارتباط میان زبان و شخصیت، از زبان معیار استفاده می‌کنند تا خود را در جامعه مطرح سازند و به طبقات اجتماعی بالا نزدیک‌تر شوند (Holmes, 1993; Adams, 1989). این حساسیت زنان به استفاده از زبان معیار سبب شده است تا محافظه‌کارانه از زبان استفاده و از پذیرش صورت‌های جدید امتناع کنند (نجفی عرب، ۱۳۹۴). از این رو می‌توان انتخاب نوازه‌های غیرادبی توسط دانشجویان زن را توجیه کرد. افزون بر آن، طبق بررسی رضایی (۱۳۸۳) زبان ادبی در مقایسه با زبان غیرادبی، دارای الفاظ مهجور بیشتر و صراحت کمتری در کلام است و ممکن است که این پیچیدگی زبان ادبی، مخاطبان زن را وادار به کشف معنا و رمزگشایی از کلام کند. این مهم ممکن است علتی دیگر برای ترجیح دادن نوازه‌های غیرادبی نسبت به نوازه‌های ادبی توسط زنان باشد.

احتمال دیگری که می‌توان در توجیه تمایل زنان به دریافت نوازه‌های غیرادبی بیان کرد، چارچوب‌های فرهنگی و مذهبی مندرج در ارتباطات بین‌فردی است که به رابطه غیرصمیمی میان مدرس با دانشجوی غیرهم‌جنس منجر می‌شود. پیش از شرح مسئله باید افزود که در پرسشنامه نوازه‌های ادبی و غیرادبی، از دانشجویان خواسته شد با تصور موقعیت‌های متنوع در کلاس، نوع ترجیح خود به نوازه‌گری مدرس به زبان ادبی و غیرادبی را انتخاب کنند؛ درحالی‌که در این پرسشنامه صحبتی از جنسیت مدرس به میان نیامد. با توجه به اینکه تعداد زیادی از مدرسان ایرانی در دانشگاه‌ها مرد هستند، دانشجویان زن ممکن است در انتخاب خود، جنسیت مدرس را در نظر بگیرند و به دلیل ارتباط غیرصمیمی با مردان، احساس راحتی نسبت به دریافت نوازه‌های ادبی نداشته باشند؛ زیرا نوازه ادبی، دربردارنده زوایای پنهان و معانی مبهم و پیچیده‌ای است که درک آن نیازمند تأمل است. این نتیجه همسو با نتایج مطالعه سخت‌کار حدادی

(۲۰۱۷) است که نشان داد زبان‌آموزان زن در مواجهه با مدرس مرد، ترجیحی به دریافت نوازه‌ها ندارند. این احتمال وجود دارد که با مشخص کردن و ایجاد مشابهت میان جنسیت مدرس با دانشجو، نوع ترجیحات نوازه‌گیری تغییر یابد که لازم است پژوهشی دیگر در این راستا انجام شود. از این‌رو، عامل راحتی در ارتباط را نیز می‌توان علتی مؤثر در نوازه‌گیری ادبی و غیرادبی دانشجویان دانست و یافته‌های پژوهش حاضر در راستای نتایج جبارالجعاد (۲۰۱۷) این امر را نیز تأیید می‌کند که هر دانشجویی در ارتباط با مدرس هم‌جنس خود احساس آرامش بیشتری دارد.

در توجیه تمایل شرکت‌کنندگان مرد به دریافت نوازه‌های ادبی می‌توان به نقش‌های اجتماعی مردان در جامعه ایران و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آن‌ها اشاره کرد. به‌نظر می‌رسد هرچند زنان و مردان در یک فرهنگ مشترک رشد کرده‌اند، به‌واسطه نفوذ فرهنگ مردسالاری در جامعه ایران، تقسیم قدرت و نقش اجتماعی زنان و مردان متفاوت است. درواقع به‌نظر می‌رسد مردان به‌دلیل جایگاه اجتماعی، اعتمادبه‌نفس بالا و شخصیت خود که در بستر زیستی، عاطفی و فرهنگی ایران شکل گرفته است، راحت‌تر با پذیرش صورت‌های جدید ارتباطی کنار می‌آیند. در تأیید این امر بهمنی مطلق و اله‌آبادی (۱۳۹۴) بیان می‌کنند که مردان به دنبال ساخت واژگان نو و خارج از زبان معیار و استاندارد هستند. از این‌رو، آن‌ها نوازه ادبی را که سبکی متفاوت و جدید است، راحت‌تر از زنان می‌پذیرند. فرهنگ مردسالارانه ایران نقش مؤثری بر افزایش اعتمادبه‌نفس و جسارت استفاده از سبک‌های نو و متفاوت نوازه‌ها را به مردان می‌دهد. این یافته برخلاف مطالعه آموزگار (۲۰۱۶) است که نشان داد زنان نسبت به مردان از جسارت و اعتمادبه‌نفس بالایی برخوردارند؛ به‌نحوی که با مشارکت بیشتر در کلاس، خود را بیش‌تر در معرض یادگیری قرار می‌دهند؛ درحالی که در مطالعه حاضر این جسارت در استفاده از صورت جدید نوازه‌ها دیده نشد. برخلاف یافته‌های پژوهش حاضر، فیروزیان پوراصفهان‌ی، پیش‌قدم و صبوری (۱۳۹۸) نیز ادعان داشتند که زنان به‌دلیل ویژگی‌های شخصیتی و ذاتی خود مانند روحیه تعاملی بالا و علاقه‌ای که به تأییدشدن (صفت بارز نوازه‌ها) دارند، بیشتر به دریافت نوازه‌ها تمایل نشان می‌دهند؛ درحالی که از نظر مردان اهمیت چندانی ندارد. مطالعه نوربخش (۲۰۱۶) نیز بر مقدم‌بودن زنان در تبادل نوازه بر مردان تأکید دارد.

افزون بر آن، حضور کم‌سابقه و کم‌رنگ‌تر زنان در عرصه اجتماعی و ادبیات نیز خود مزید بر این علت است که بیشتر آثار ادبی توسط مردان برای مردان سروده و نوشته شده است که کمابیش نگرشی مردانه بر آن غلبه دارد؛ زیرا شاعران و نویسندگان در گذشته، زنان را خوانندگان اصلی آثار ادبی خود نمی‌دانستند (نجفی عرب، ۱۳۹۴). از این‌رو، در تولید آثار ادبی بیشتر به خاستگاه مردان توجه می‌شد. نوازه‌های ادبی این پرسشنامه نیز بیشتر از میان آثار مردانه انتخاب

شده بودند. از این لحاظ، شاید بتوان عدم پذیرش نوازه‌های ادبی توسط زنان و استقبال بیشتر مردان از نوازه‌های ادبی را توجیه کرد.

شایان ذکر است انتخاب نوازه‌های ادبی توسط مردان برخلاف انتظارات جامعه بود؛ انتظارات و باورهایی که عرصه هنر و ادبیات را مختص زنان و علوم پزشکی و ریاضی را متعلق به مردان می‌دانست. از این‌رو، بر یکی از کلیشه‌ها و باورهای جنسیتی خط بطلان کشید. در این زمینه، فیروزیان پوراصفهانی، پیش‌قدم و نادری (۱۳۹۸) نیز بیان کردند که مردان به دلیل داشتن اعتمادبه‌نفس و روحیه رقابتی بالا، بی‌توجه‌بودن به بازخورد و واکنش دیگران و تمرکز بر اهدافشان، اهمیت چندانی به نوازه‌ها نمی‌دهند؛ درحالی‌که در مطالعه حاضر، با تغییر زبان نوازه‌ها از غیرادبی به ادبی، به نوازه‌ها از منظری دیگر نگریسته شد و مورد پذیرش و استقبال مردان قرار گرفت. افزون بر آن، مردان در مطالعه حاضر با نشان‌دادن ترجیح خود به دریافت نوازه غیرشرطی، مطالعه حین‌تأکیدالحسین (۲۰۱۷) را رد کردند که نشان می‌داد زبان‌آموزان نوازه شرطی غیرادبی را به نوازه غیرشرطی غیرادبی ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر، زبان‌آموزان در ارتباط با مدرس مرد جوان، تشویق‌شدن به‌واسطه انجام فعالیت را به نوازه غیرشرطی که مربوط به ویژگی‌های ذاتی افراد است، ترجیح می‌دهند، اما در مطالعه حاضر بر دریافت نوازه غیرشرطی تأکید داشتند. باید در نظر داشت که نوازه پژوهش آن‌ها از نوع غیرادبی بود، ولی مردان در مطالعه حاضر نوازه غیرشرطی ادبی را ترجیح دادند. این مهم همان‌طور که پیش از این بیان شد، بر این مسئله تأکید دارد که تغییر سبک زبان نوازه‌ها از غیرادبی به ادبی می‌تواند تفاوت‌هایی در انتخاب و نگرش افراد به‌ویژه مردان به نوازه‌ها ایجاد کند.

به‌طور خلاصه یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد زنان به دریافت نوازه‌های غیرادبی تمایل بیشتری دارند که چند احتمال را می‌توان برای آن در نظر گرفت. با فرض اینکه ممکن است جنسیت مدرس و دانشجو با یکدیگر متفاوت باشد، زنان نوازه غیرادبی را برگزیدند که دارای جدیت و قاطعیت بیشتری است و می‌توان از طریق آن کلام نافذتری داشت. افزون بر آن، از نوازه غیرادبی با ویژگی سادگی و صراحت در بیان بیشتر استقبال شد؛ زیرا نیاز به رمزگشایی ندارد و در برابر حساسیت زنان به معانی پیام‌های کلامی و غیرکلامی حالت منفعلانه‌ای دارد. در مقابل، مردان با انتخاب نوازه ادبی ضمن نشان‌دادن جسارت خود در استفاده از صورت‌های جدید، باور و انتظارات جامعه مبنی بر زنانه‌بودن ادبیات را رد کردند. این مهم نشان می‌دهد در رابطه با مردان، استفاده از کلام ادبی می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد و باورهای جنسیتی رایج در جامعه ممکن است برخلاف نگرش و خواسته‌های افراد باشد. به همین منظور نمی‌توان با باور بر یک عقیده، حکم کلی داد. در کل، یافته‌های پژوهش نشان داد دانشجویان مرد و زن با آنکه در یک بستر نسبتاً مشترک رشد کرده‌اند، دارای نگرش و احساسات متفاوتی هستند و در

ارتباطات اجتماعی خود، تمایلات متفاوتی به برقراری ارتباط و استفاده از زبان دارند؛ به‌نحوی که نوازه‌های ادبی بیشتر مورد استقبال مردان قرار گرفت و زنان نوازه‌های غیرادبی و ساده را بیشتر ترجیح دادند.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود در مطالعات دیگر، نوازه‌های ادبی مختص زنان و مردان تهیه شود؛ نوازه‌های ادبی زنانه‌ای که برگرفته از آثار فاخر شاعران و نویسندگان زن باشد تا از نظر فکری بتوان رابطه نزدیک‌تری با آنان برقرار کرد. افزون بر آن، می‌توان با مشخص کردن جنسیت مدرس، نگرش زنان را به دریافت نوازه‌های ادبی و غیرادبی از مدرس مرد و زن به‌صورت مجزا بررسی کرد. در رابطه با مردان نیز با توجه به استقبال آنان از نوازه‌های ادبی، پیشنهاد می‌شود تأثیر آن بر افزایش انگیزه یادگیری آنان بررسی شود تا کارکرد عملی این انتخاب روشن شود. از این لحاظ، مدرس می‌تواند به‌صورت عملی از نوازه‌های ادبی در کلاس استفاده کند و نتیجه آن را در پایان ترم بسنجد.

منابع

- افروز، احمد و دانایی، ابوالفضل (۱۳۹۷). «مطالعه تأثیر جنسیت در شکل‌گیری معنای پیام در فرایند ارتباطات»، فصلنامه علوم خبری، ش ۲۷، صص ۶۷-۷۸.
- ایمانی، مرضیه (۱۴۰۱). بررسی ترجیحات نوازه‌گیری دانشجویان مقطع کارشناسی از حیث متغیرهای جنسیت و رشته تحصیلی: مطالعه موردی نوازه‌های ادبی و غیرادبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- بارانی، محمد (۱۳۸۲). «کارکرد ادبی زبان و گونه‌های آن». فرهنگ، ش ۴۶ و ۴۷، صص ۵۵-۷۰.
- بخارائی، احمد (۱۳۹۴). «تحلیلی بر عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر نابرابری جنسیتی (مطالعه زنان متأهل ۲۰ تا ۴۹ ساله شهر اصفهان)»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، س ۴، ش ۳، صص ۵۹-۸۲.
- بهمنی مطلق، یداله و فرقانی اله‌آبادی، فهیمه (۱۳۹۴). «بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در ادبیات مقاومت (با تکیه بر رمان دا)»، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ش ۸، صص ۳۷۳-۳۸۹.
- پیش‌قدم، رضا و فرخنده‌فال، المیرا (۱۳۹۵). «از نوازش تا نوازه: نگاهی به مفهوم نوازیدن در آموزش زبان دوم»، مطالعات زبان و ترجمه، س ۱۱، ش ۴، صص ۱-۱۳.
- پیش‌قدم، رضا؛ ابراهیمی، شیما و طباطبائیان، مریم‌سادات (۱۳۹۸). رویکردی نوین به روان‌شناسی آموزش زبان، چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حاج مؤمن، حسام و صالح‌بک، مجید (۱۳۹۴). «ساختار نمودیابی ادبیت در متون ادبی؛ رهیافت زیبایی‌شناسیک»، حکمت و فلسفه، س ۱، ش ۲، صص ۳۷-۶۴.
- رجبلو، علی و علیخانی، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان».

- مجله جامعه‌شناسی/ایران، س ۱۶، ش ۲، صص ۷۳-۱۰۶.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد»، نامه فرهنگستان، س ۶ ش ۳، صص ۲۰-۳۵.
- رفعت‌جاه، مریم و رضایی، مژگان (۱۳۹۷). «تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه (مطالعه‌ای تطبیقی در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران)»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، س ۱۶، ش ۴، صص ۱۰۹-۱۴۸.
- فردوسی، مریم و فاضلی، نعمت‌الله (۱۴۰۰). «کارکرد قدرت‌بخش زبان در زندگی روزمره زنان (مطالعه استراتژی‌های زبانی قدرت در زنان طبقه متوسط ساکن تهران)»، فصلنامه علمی زن در فرهنگ و هنر، س ۱۳، ش ۴، صص ۵۱۱-۵۳۹.
- فیروزیان پوراصفهان‌نی، آیدا، پیش‌قدم، رضا و نادری، سمانه (۱۳۹۸). «مقایسه کیفی و کمی نوازه‌های دریافتی مدرسان زبان انگلیسی از سوی زبان‌آموزان براساس عامل جنسیت»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، س ۹، ش ۳، صص ۹۲۷-۹۵۸.
- ماتلین، مارگارت (۱۳۸۹). روان‌شناسی زنان، ترجمه شهناز محمدی، تهران: نشر نی.
- نجفی عرب، ملاحظ (۱۳۹۴). «نقد و تحلیل رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم از منظر زبان و جنسیت»، مجله علوم ادبی، س ۴، ش ۶، صص ۱۸۱-۲۱۲.
- Alnuzaile, E., & Uddin, N. (2020). Dealing with anxiety in foreign language learning classroom. *Journal of Language Teaching and Research*, 11(2), 269-273.
- Adams, K. L. & Ware, N. C. (1989). Sexism and the English language: the linguistic implications of being a woman. In J. Freeman (Ed), *Woman: A feminist perspective* (4th ed., pp. 470-484). Mountain View, CA: Mayfield.
- Amouzegar, E. (2016). Examining the roles of stroke, willingness to communicate, and motivation in English language achievement: a case of Iranian EFL learners". *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Beren, E. (1988) *Games people play*. New York, NY: Grove.
- Francis, D., & Woodcock, M. (1996). *The new unblocked manager: A practical guide to self-development*. Gower Publishing, Ltd.
- Gao, Y. (2021). Toward the role of language teacher confirmation and stroke in EFL/ESL students' motivation and academic engagement: A theoretical review. *Frontiers in Psychology*, 12, 1-8.
- Ghandeharinezhad, A. (2019). Sensory strokes and teacher credibility in foreign language achievement: A case of Iranian EFL learners. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Hofstede, G. (2007). *Cultural dimensions, ITMI culture & management consultancy*. Stockholm, URL: www.geert-hofstede.com. Accessed Jan 2020.

- Hosseini, S. (2016). EFL teachers' perceptions of stroke and their application in any class: A case of Iranian private English institutes. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Holmes, J. (1992). *An introduction to sociolinguistics*. London: Longman.
- Hintaw Abdulhussein, S. (2017). A quantitative study on Iraqi EFL learners' conceptions of stroke with respect to teachers' age. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Irajzad, F. (2015). Stroke analysis of Persian, Arabic, and English teachers: A case of female teachers in the context of Iranian schools. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Jabbar Al Jaed, Z. (2017). Examining Iraqi EFL students' conceptions of stroke: A case of gender. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Kormi, S. (2018). Development and validation of willingness to receive stroke scale and examining its relationship with L2 willingness to communicate, motivation, and foreign language achievement: A case of Iranian EFL learners. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Mishra, S. (2017). Transactional analysis: Psychology applied at workplace. *Innovation the Research Concept, India*, 2(7), 60-66.
- Noorbakhsh, Z. (2016). Stroke and gender identity in teacher success: A case of Iranian EFL teachers. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Pishghadam, R., & Khajavy, G. (2014). Development and validation of the student stroke scale and examining its relation with academic motivation. *Studies in Educational Evaluation*, 43, 109-114.
- Pishghadam, R., Derakhshan, A., Zhaleh, K., & Habeb Al-Obaydi, L. (2021). Students' willingness to attend EFL classes with respect to teachers' credibility, stroke, and success: A cross-cultural study of Iranian and Iraqi students' perceptions. *Current Psychology*, 40(4), 1-15.
- Sakhtkar Haddadi, M. (2017). What strokes you may not stroke me: Designing and validating learner stroke quotient scale and examining Iranian EFL learners' conceptions of stroke. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Stewart, I., & Joines, V. (1987). *TA: A new introduction to transactional analysis*. Nottingham: Life space.
- Song, Z. (2021). Teacher stroke as a positive interpersonal behavior on English as a foreign language learners' success and enthusiasm. *Frontiers in psychology*, 12, 1-4.
- Solomon, C. (2003). Transactional analysis theory: The basics. *Transactional Analysis Journal*, 33(1), 15-22.
- Vos, J., & Van Rijn, B. (2021). The evidence-based conceptual model of transactional analysis: A focused review of the research literature.

- Transactional Analysis Journal*, 51(5), 160-201.
- Xie, F., & Derakhshan A. (2021). A conceptual review of positive teacher interpersonal communication behaviors in the instructional context. *Frontiers in Psychology*, 12, 1-10.
- Yazdanpour, H. (2015). Teacher stroke scale and examining ITS relationship with burnout. *Unpublished Master's Thesis*. Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
- Zhou, X. (2021). Toward the positive consequences of teacher-student rapport for students' academic engagement in the practical instruction classrooms. *Frontiers in Psychology*, 12, 1-4.

